



Permissibility of Unconventional Intercourse; A Critical Reading

Marzieh Esmaeeli Fallah^{1*}, Touba Shakeri Golpayegani²

1. PHD in Women Studies, Department of Women Studies, Humanities Faculty, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: m.esmaeeli@modares.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Women Studies, Humanities Faculty, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Email: t.shakeri@modares.ac.ir

Abstract

The definite limit of permissibility of sexual enjoyment according to the marriage contract is conventional enjoyment and intercourse, but in some approaches, it has been ruled that anal intercourse is permissible; While the rule of being forbidden for harming one's wife, behaving in honorable manner and the narrations regarding the norms between spouses, all of them have respect for moral sexual behavior and cast doubt on the permissibility of unconventional sexual behavior even with the wife's consent; Because due to the dominance of most of men, the wife's satisfaction in most cases is not internal. In addition, according to the belief of the Imamiyyah, the permissibility of this relationship is doubted due to the fact that the rulings are based on the factual and definite benefits and corruptions consequences of anal intercourse. This study, using a descriptive-analytical method, by using the library study method, examines and analyzes the evidences cited regarding the permissibility of anal intercourse, while pointing out the diversity of opinions about the interpretation of the narrative reasons, believes that using the purposeful approach can lead to a new reading of texts according to the fundamental values on which the text is based.

Keywords: Anal intercourse, obedience, honorable manner, unconventional.

Received: 2025/01/22
Revised: 2025/02/14
Accepted: 2025/02/16
Available Online: 2025/02/24

Article Type: Research Paper
Published by: Hazrat-e Masoumeh University
DOI: 10.22034/CJLS.2025.2051305.1023



جواز آمیزش نامتعارف؛ خوانشی انتقادی

مرضیه اسماعیلی فلاح^۱، طوبی شاکری گلپایگانی^۲

۱. دانش‌آموخته دکتری مطالعات زنان (حقوق زن در اسلام) دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

رایانامه: m.esmaeeli@modares.ac.ir

۲. استادیار گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

رایانامه: t.shakeri@modares.ac.ir

چکیده

حد متیقن از جواز تمتعات جنسی به موجب عقد نکاح، استمتاع و آمیزش متعارف است، لکن در برخی رویکردها حکم به جواز آمیزش مقعدی شده است؛ در حالی که قاعده حرمت ایذاء همسر، معاشرت به معروف و روایات ناظر به آداب خلوت میان زوجین، همگی بر رفتار جنسی کرامت‌مدار اشعار دارند و جواز رفتارهای نامتعارف جنسی را ولو با رضایت همسر با تردید مواجه می‌سازند؛ چراکه به دلیل فرادستی غالب مردان، رضایت زوجه در اکثر موارد باطنی نمی‌باشد. افزون بر آن که مطابق اعتقاد امامیه به دلیل ابتدای احکام بر مصالح و مفاسد نفس‌الامری و قطعی بودن عوارض و طی از دُبُر، جواز این رابطه مورد تردید قرار می‌گیرد. از این رو با وجود برخی تعابیر در متون فقهی که انگاره تمکین مطلق را فارغ از هرگونه محدودیتی به ذهن متبادر می‌کند، فرضی که احتمال آسیب زوجه در آن رابطه وجود دارد، تحریم و تقبیح شده است. این جستار به روش توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده و ضمن بررسی و تحلیل ادله مورد استناد در خصوص جواز و طی از دُبُر با اشاره به تشبیه آرا پیرامون تفسیر ادله نقلی، معتقد است که استمداد از رویکرد مقاصدی می‌تواند به خوانشی نوین از متون، در پرتو ارزش‌های بنیادینی که نص بر آن‌ها استوار است، بینجامد.

واژگان کلیدی: رفتار نامتعارف جنسی، آمیزش مقعدی، تمکین، حسن معاشرت، روابط جنسی سالم.

تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۱۱/۰۲	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۳/۱۱/۲۵	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۳/۱۱/۲۷	DOI:	10.22034/CJLS.2025.2051305.1023
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۳/۱۲/۰۵		

۱. مقدمه

رضایت زناشویی از اجتماع مؤلفه‌های گوناگونی تشکیل می‌شود که یکی از برجسته‌ترین متغیرهای آن رضایت جنسی زوجین است. (بهرامی و توسلی، ۱۳۹۹؛ معصومی و همکاران، ۱۳۹۶) روابط جنسی بین زن و شوهر و کیفیت آن، از جمله مواردی است که در تأمین آرامش و امنیت روانی میان زوجین و تداوم استحکام و استواری بنیاد خانواده تأثیر به‌سزایی دارد.

پژوهش‌ها حاکی از تأثیر روابط جنسی سالم در بهینه‌سازی کارکردهای خانواده (حیدری، ۱۳۹۶؛ فروتن و اخوان، ۱۳۹۰) و ارتباط متقابل رضایت جنسی با کاهش تعارضات زناشویی است. (موحد و عزیزی، ۱۳۹۰)

ارضای نیازهای جنسی زوجین بر اساس موازین اخلاقی، عرفی، حقوقی و... در قالب عقد نکاح، یکی از کارکردهای پیوند زناشویی است. تمتعات متعارف جنسی حق و تکلیفی طرفینی است (حکمت‌نیا، ص ۲۵۹) که بی‌توجهی به آن موجب تزلزل پیمان زناشویی و بروز ناهنجاری در روابط مابین زوجین می‌شود. (قانمی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷)

در برخی رویکردهای فقهی توجه ویژه‌ای نسبت به نیاز جنسی مردان صورت گرفته و تمکین در معنای پاسخگویی زوجه به مطالبات جنسی زوج، به‌عنوان حقی برای مرد و تکلیفی برای زن برشمرده شده (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۱؛ اراکی، ۱۴۱۹، ص ۷۴۲) و از خلال مطالب مطروحه تأکید بر اجابت خواسته مرد و اطلاق این الزام و عدم اشاره به میل، توانایی و... زوجه قابل استنباط است. (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۷) بنابراین زوجه موظف به فراهم آوری تمهیدات کلیه استمتاعات جنسی از خویش برای زوج، در هر زمان و مکانی که شوهر مایل بوده و تمتع جایز است، می‌باشد. (عاملی جبعی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۳۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۹۱) و در این راستا بایستی اهتمام بلیغی به حق تمکین مرد داشته باشد.

از آنجایی که حق درجه‌ای کمرنگ از مالکیت و مرتبه‌ای از آن است و ذی‌حق گویا مالک چیزی محسوب می‌شود که مسؤولیت آن را عهده‌دار است. (نائینی، ۱۳۷۳، ص ۴۵۱) طباطبایی‌یزدی، ۱۴۲۳، ص ۲۸۰؛ موسوی‌خمینی، ۱۳۹۰؛ ج ۴، ص ۱۱۰) و به همین اعتبار برخی فقها از تعبیر «ملکیت نارسیده» در این خصوص استفاده می‌کنند. (آملی، ۱۴۱۳، ص ۹۲) حقوق سنتی که حق را شکلی ضعیف از مالکیت تلقی می‌کند، با عقد نکاح مرد را مالک بضع می‌داند. (علامه‌حلی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۳؛ طباطبایی‌یزدی، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۴۶۰؛ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶، ص ۳۸۲) باید توجه داشت که ارزیابی صرف عقد نکاح با ضوابط حاکم بر عقود مالی و معاملی، خلاف حیثیت انسانی و جایگاه مقدس خانواده است، لکن در هر حال، دو پارادایم تاریخی پیرامون حقوق

خانواده قابل شناسایی است؛ پارادایم حقوق کامجویانه و حقوق عاشقانه. در حقوق کامجویانه مفهوم نکاح به استمتاعات جنسی فروکاسته می‌شود و زن موضوعیتی جنسی می‌یابد؛ درحالی‌که در حقوق عاشقانه، نکاح به حقوق و تکالیف طرفینی زوجین در تشدید مبانی خانواده و تربیت فرزندان تعبیر و بر تعهدات دو طرف در نهاد خانواده توجه می‌شود. (جعفری تبار، ۱۳۸۷)

در رویکرد فقه و حقوق سنتی در خصوص ازدواج، محوریت با رابطه زناشویی و مجامعت است اما در رویکردهای نوین بر مؤانست و حسن معاشرت تأکید می‌شود. در قرآن نیز نکاح در معنای وطنی اساساً استعمال نشده است. (نجفی، ۱۴۰۱، ج ۲۹، ص ۶)

مطابق آموزه‌های اسلام روابط درهم‌تنیده‌ای میان ارزش‌های اخلاقی و قواعد حقوقی وجود دارد. مواردی همچون کرامت، عدالت، حریم خصوصی و معاشرت به معروف به‌عنوان مؤلفه‌هایی بنیادین و پیشادینی ناظر بر منظومه قواعد حاکم بر امور جنسی در اسلام می‌باشند. (شاکری گلپایگانی و بهرامی، ۱۴۰۰، ص ۸۵) عدم توجه به حقوق جنسی زن و عدم پرداختن به محوریت کرامت انسانی زن در روابط جنسی، سبب بیشینه‌گرایی عرفی نسبت به حقوق جنسی مرد و کمینه‌گرایی نسبت به حقوق جنسی زن شده است. بی‌توجهی به حق جنسی زن سبب ساده‌انگاری و عبور از مسئله حرج جنسی زنان و کمینه‌گرایی در مواردی همچون تحقق اکراه و عدم رضایت زن در تن‌دادن به اشکال غیرمتعارف روابط زناشویی در رویکردهای جزم‌اندیشانه سنتی شده است. (شاکری گلپایگانی و بابازاده، ۱۴۰۱، ص ۳۰؛ شعری‌فاجی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۷) حاکمیت نگرش مردانه بر رویکردهای فقهی و حقوقی، نمی‌تواند به‌تنهایی سامان‌بخش مطلوب و همه‌جانبه نظام خانواده باشد و در این مسیر استمداد از نگرش‌های زنان می‌تواند موجب انفتاح چشم‌اندازهای جدیدی در این عرصه گردد. (اسماعیلی‌فلاح و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۴۳)

چنانچه عدم اجابت مطالبات جنسی مرد ناشی از معاذیر یا موانع شرعی یا مطالبه روابط جنسی نامعقول و غیرمتعارف باشد، به‌نحوی‌که از مصادیق ایذا و باعث ضرر یا حرج زوجه باشد (رملی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۷۳) یا زن مهبیای رابطه زناشویی نباشد، زوجه ناشزه محسوب نمی‌شود (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۵، ص ۱۰۳) و زوج موظف به روابط جنسی متعارف با همسر خود است. (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۵، ص ۱۰۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۰۳) در نظام حقوقی ما تمهید مناسب و جامعی در این راستا اندیشیده نشده و تنها به سوق زوجه به درخواست طلاق در صورت ثبوت موجبات عسر و حرج^۱ بسنده شده و تسهیل‌شایان توجهی جهت استیفای حقوق جنسی زن و تبیین

۱. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی

گستره حق تمکین مرد صورت نگرفته است. باید توجه داشت که روابط زناشویی یکی از آثار عقد نکاح بوده و نه اثر ذاتی و مقدم آن؛ چراکه اساس این عقد، بر بنا نهادن یک نهاد اجتماعی ذوابعاد است و فروکاستن آن به ساختاری جهت هر نوع تمتع جنسی دور از صواب می‌نماید. البته این به معنای عدم اهمیت روابط زناشویی متعارف نیست، بلکه در عین اهمیت این امر، بنیاد خانواده به ثقات این مسئله فروکاسته نمی‌شود؛ لکن سوءبرداشت‌ها از برخی آموزه‌های دینی، موجب صورت‌بندی انگاره اطلاق تمکین زوجه از زوج حتی در صورت نامتعارف شده است.

گاه تنوع‌طلبی در کسب لذایذ و اوهام جنسی^۱، روابط زناشویی زوجین و مطالبات آنان از یکدیگر و کیفیت این روابط را متأثر ساخته و موجب بروز مشکلاتی در روابط زوجین می‌شود. این جستار در صدد بازخوانی ادله ناظر به وطی نامتعارف و بازاندیشی در نظرات فقهی در این خصوص بوده و می‌کوشد به منطق ادبی و تفاسیر لفظی از متون فقهی بسنده نکرده و در چشم‌اندازی وسیع‌تر با عنایت به مرجعیت عقل استعلایی و گزاره‌ها و اصول کلانی همچون معاشرت به معروف، کرامت، عدالت، توجه به حسن و قبح عقلی و رویکرد مقاصدی، به ترسیم هم‌گرایی یا واگرایی میان حکم به تمکین مطلق ولو در صورت نامتعارف با غایات مدنظر شارع بپردازد و با بازخوانی ادله از دریچه‌ای جدید و تلاش جهت اعتلای دانش دینی، با ارائه دستاوردهای پژوهش زمینه‌ساز تأملات تازه و بازاندیشی در ایستارهای موجود شود.

این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که آیا زن در موارد مطالبات غیر معمول زوج همچنان مکلف به تمکین می‌باشد؟ هم‌چنین چگونه می‌توان قرآنی نظام‌مند نسبت به گستره حق جنسی مرد و تکلیف تمکین زن ارائه نمود؟

۲. تبیین مفاهیم

۱-۲. تمکین

تمکین لغتی عربی، در معانی اعطای اقتدار و سلطه، پذیرش و گردن نهادن به دستور دیگری، اعطای قدرت به فردی برای وصول به امر یا چیزی توصیف شده است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۳؛ راغب‌اصفهانی، ۱۴۲۹، ج ۱، صص ۸۷۴-۸۷۵)

حقوقدانان با تقسیم تمکین به دو گونه عام و خاص به تعریف و تبیین مفهومی آن پرداخته‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۲۲۸؛ گرجی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۷) منظور از تمکین عام را متابعت زوجه از زوج در مسائل زناشویی و انجام امور مربوط به زوجیت و حسن معاشرت دانسته‌اند؛ بنابراین تمکین عام در

معنای قبول ریاست شوهر بر خانواده و انجام وظایف زوجیت و اطاعت از زوج مطابق شرع و عرف و رعایت اموری چون آراستگی و پیراستگی به میزان متعارف، استیذان از زوج جهت خروج از منزل، حسن سلوک، پاسداشت اسرار خانوادگی و... می‌باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۲۲۸؛ گرجی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۷) به این ترتیب تمکین عام در عرف حقوقی با مباحث مربوط به پذیرش قوامیت شوهر و انجام تکالیف زوجیت توسط زوجه و معاشرت نیکو در فقه مطابقت دارد. (مغویه، ۱۹۷۸، صص ۹۴-۹۶) بنابراین تمکین عام در معنای مطلق متابعت زوجه از زوج بوده و در مقابل تمکین خاص، تکلیف زوجه در اطاعت از زوج در خصوص تمتعات جنسی است. (حیبی تبار، ۱۳۹۵، ص ۱۷۲)

تمکین تام در لسان فقها دامنه مشابهی با مباحث تمکین خاص در عرف حقوقی دارد و منظور از تمکین تام آن است که زوجه خویش را به نحو مطلق به شوی واگذارد و در هر زمان و هم‌چنین هر مکان و نسبت به کلیه مواضع بدن جهت استمتاع مهیای تمکین باشد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۱؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۴۷) محقق حلی، تمکین کامل را خلوت میان زوجین به نحوی که خاص زمان یا مکانی نباشد، تعریف می‌کند (محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۹۱) و شهیدثانی در شرح سخن محقق حلی تمکین را خلوت میان زوجین به شکلی که زوجه حائلی بین خویش و شوی فرانهد، توصیف می‌کند؛ به این معنا که تمتعات جنسی را اختصاص به مکانی خاص مانند منزل و دیار خویش یا زمانی خاص ننماید، بلکه در هر زمان و مکانی که شوهر تمایل و امکان استمتاع با توجه به حال زن داشته باشد، موظف به متابعت است و ممکن است که منظور از «مکان» در سخن مصنف، مکان فعل شامل مفهوم جامعی از کلیه مواضع تن از قبیل فرج و... آنچه قابلیت تمتع دارد، باشد و در تمکین تام، زوجه بایستی مهیای هر دو قسم باشد، هرچند وضوح مفهوم نخست بیشتر است (عاملی جبعی، ۱۴۱۳، ج ۵، صص ۴۳۹-۴۴۰) البته این عمومیت، خلاف ظاهر سخن محقق بوده و مشخص نیست، منظور محقق حلی چنین توسعه معنایی از مکان، بوده باشد.

در این میان آمادگی و شرایط روحی و جسمی زوجه نیز بایستی ملحوظ شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد داوری در خصوص این روابط چندوجهی و ذوابعاد، پیچیده‌تر از آن باشد که به راحتی حکم قضیه، طی یک قاعده و اصل کلی گنجانده شود. (گرجی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۸)

۲-۲. آمیزش (وطی)

از لحاظ فقهی دخول در معنای نزدیکی و آمیزش اعم از نزدیکی در قبُل یا دُبُر^۱ مشروط به التقای

1. Anal Sex

ختانان است. (علامه حلی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۷۵؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۸۰۸؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۸۶؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۵۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۴۱۳) هرچند با انزال همراه نباشد و ورود کمتر از این حد و تفخیز یا سایر استمناعات نزدیکی محسوب نشده و موجب آثار ویژه آن از جمله تحقق استقرار مالکیت زوجه نسبت به کل مهر نمی‌شود.

اگرچه دخول از قبیل، آمیزش از مجرای طبیعی و موضع تناسل و توالد محسوب می‌شود (سیدمرتضی، ۱۴۱۵، ص ۲۹۳) لکن ممکن است دخول از مجرای غیرطبیعی و معمول نیز صورت پذیرد. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۵، ص ۲۸۹) البته همان‌طور که اشاره شد، داخل کردن آلت به مقدار کمتر از حشفه در قبل یا دبر زن، وطی محسوب نشده و آثار ویژه آن را ندارد و نسبت به این قول ادعای عدم خلاف شده است. (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶، ج ۱۰، ص ۱۷۱)

۲-۳. نامتعارف

مطابق جمله معروف «تعرف الأشياء بأضدادها» تبیین امر متعارف در بازشناسی مفهوم نامتعارف مؤثر خواهد بود. متعارف به معنای رواج امری در میان اغلب مردم و به تعبیری مرسوم بودن و تناسب با عرف و رسوم متداول جامعه بوده (انوری، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۶۶۴) و معروف به معنای مقبولیت عقلی، عرفی و شرعی یک موضوع می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۹، ص ۳۳۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۱۶) بنابراین عمل معروف امری است که از دید عقلاً ممدوح و پسندیده و مورد تأیید شارع باشد و شامل اخلاق حسنه و کلیه آداب نکو است. (طباطبائی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۵۵) هم‌چنین به موجب آیه ۲۲۸ سوره بقره^۱ همان‌گونه که تکالیفی بر عهده زنان قرار دارد، حقوقی نیز به‌نحو معروف و نیکو برایشان وجود دارد. هم‌چنین در آیه ۱۹ سوره نساء^۲ به معاشرت به معروف نسبت به زنان اشاره شده است. در تفسیر معاشرت به معروف برخی آن را رفتار منصفانه و گفتار زیبا (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۶۰) و برخی رفتار متعارف میان مردمان تعبیر کرده‌اند. (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۵۵) برخی نیز آن را تعامل و مصاحبت مطابق دستور الهی (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۹۴) و عمل به تکالیف خود اعم از واجب و مستحب دانسته‌اند. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱) زوجین از یکدیگر حق بهره‌مندی متعارف جنسی دارند، لکن چنانچه بر این تمتعات صدق عنوان آزار، اکراه، استخفاف، نقض کرامت و... گردد، از منظر عقل و اخلاق نکوهیده خواهد بود؛ مضافاً بر این‌که چنین رفتاری خلاف قاعده معاشرت به معروف است. برخی از

۱. «لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»

۲. «وَعَايَرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹)

ملاکاتی که برای تبیین رفتار جنسی غیر متعارف ارائه شده عبارت‌اند از:

۱. عجیب و غیر معمول بودن آن رفتار؛ ۲. رفتاری که به ارضای جنسی نینجامد؛ ۳. فرد از انجام آن ملول و ناراحت است؛ ۴. رفتاری که باعث آزرده‌گی روانی و صدمه جسمی طرف مقابل باشد؛ ۵. رفتاری که با لذت طرفینی مطلوب همراه نباشد. (اوحدی، ۱۳۷۹، صص ۱۵۰-۱۵۱)
- همین‌طور مطالبات جنسی مخالف عرف متداول که اکثریت جامعه با آن همدلی نداشته و خارج از مجرای طبیعی است. (انصاری، ۱۳۷۸، ص ۴۱)

۳. بازخوانی ادله ناظر بر جواز آمیزش نامتعارف

برخی فقها با استناد به آیه ۲۲۳ سوره بقره^۱، حقوق جنسی را مخصوص زوج و مرد را محق به کامجویی از طریق جماع یا سایر اسباب موجب لذت در این میان دانسته و اختیار امر جنسی را درید مرد انگاشته‌اند. (عاملی جبعی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۱۹؛ نراقی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۱۹) در حالی که دلالت آیه بر انحصار حق نسبت به مرد نیست؛ چراکه اثبات شیئی نفی ماعدا نمی‌کند. در این راستا هم‌چنین به روایاتی که ناظر به اجابت بی‌قید و شرط زوجه نسبت به نیازهای جنسی همسر است، استناد می‌شود که از جمله آن روایات بر آوردن نیاز جنسی زوج هر چند سواره بر مرکب^۲، شب را در حالت خشم شوهر به صبح نرساندن (کسب رضایت زوج) ولو با وجود ظلم شوهر^۳، عرضه خویش هر صبح و شام بر شوی، پرهیز از گرفتن روزه مستحبی بدون رضایت همسر^۴ و منع از اطاله نماز به قصد عدم اجابت نیاز جنسی همسر^۵ می‌باشد. البته اغلب روایات مذکور از نظر سندی ضعیف بوده و با عموم قاعده معاشرت به معروف، حرمت ایذاء و لاضرر تقیید می‌خورند.

باین‌حال در برخی رویکردها با تمسک به آیه ۲۲۳ سوره بقره و عبارت «أَنْتِ شِئْتُمْ» در این آیه و هم‌چنین پاره‌ای روایات گستره تمکین خاص، مطلق فرض می‌شود.

۱. «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ...»

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ آتَتْ امْرَأَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَتْ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيَهُ... وَلَا تَمْتَعَهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرٍ قَبِيٍّ...» (کلینی، ۱۴۰۷/۵/۵۰۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۲/۲۰/۱۶۵؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۴/۳/۴۳۸)

۳. «... وَلَا تَبَيْتَ وَ زَوْجَهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَإِنْ كَانَ ظَالِمًا لَهَا» (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴/۳/۵۱۱)

۴. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ قَالَتْ فَحَبْرِي عَنْ سُئِي مِنْهُ قَالَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَصُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْني تَطَوُّعًا... وَعَلَيْهَا أَنْ... تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً» (کلینی، ۱۴۰۷/۵/۵۰۸؛ حرعاملی، ۱۴۱۲/۲۰/۱۶۵)

۵. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِلنِّسَاءِ لَا تَطُولَنَّ صَلَاتِكُنَّ لِتَمْنَعَنَّ أَزْوَاجَكُنَّ» (کلینی، ۱۴۰۷/۵/۵۰۸)

۳-۱. تمسک به آیه ۲۲۳ سوره بقره

برخی مفسران «آئی» را به استناد پاره‌ای روایات حمل بر مکان کرده^۱ و بنابراین جواز دخول از دبر را استنباط کرده‌اند. (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲۱، صص ۷۰-۷۱؛ علم‌الهدی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۳۳)

در حالی که بیشتر مفسران، آن را ناظر به زمان دانسته و با استدلال به روایات وارده در این خصوص^۲، آیه ۲۲۲ سوره بقره^۳ را قرینه حمل بر این معنا دانسته‌اند که به حرمت مقاربت در ایام حیض اشاره دارد و پس از رفع این مانع مرد در هر زمان که بخواهد می‌تواند از زن متمتع شود. (سیدمرتضی، ۱۴۱۵، ص ۲۹۴؛ حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، صص ۱۰۲-۱۰۳؛ روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۷۷؛ فاضل‌هندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۴؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۲، صص ۱۰۷-۱۰۸) البته عده‌ای از مفسرین هم «آئی» را مطلق قلمداد کرده و در هر دو معنای زمان و مکان دانسته‌اند. به این معنی که زوج در هر زمان و مکان حق هرگونه تمتع از زوجه را دارد و به این ترتیب حکم به جواز وطی از دبر داده‌اند (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۰۷) و حتی موافق این نحوه واقعه در ایام حیض هستند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۴۰؛ محقق‌حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۹۱) و ممانعت از چنین مقاربتی را موجب تحقق نشوز دانسته‌اند (علامه‌حلی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰۸) در حالی که اگرچه صیغه امر ظهور در وجوب دارد، اما امر عقیب‌حظر تنها بر جایز بودن عمل دلالت دارد (آخوندخراسانی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۱۱) و لذا آیه در مقام رفع‌حظر بوده و در مقام اثبات حق و تکلیف نیست. (شکری و مؤمن، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰) بنابراین آیه در پی رفع ممنوعیت مقاربت پس از ایام حیض است و درصدد بیان نقش زنان در بقای نسل نوع بشر است و در پی اثبات حق تمتع زوج به نحو اطلاق نمی‌باشد. (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۲۲۳)

۱. «الباقر- نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ قَالَ حَيْثُ شَاءَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۰۸/۲۰؛ مجلسی، ۱۴۱۵: ۱۰۱/۲۸)
۲. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ إِثْبَانِ النِّسَاءِ فِي أَغْجَازِهِنَّ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ قَالَ: حَيْثُ شَاءَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۰۸/۲۰؛ مجلسی، ۱۴۱۵: ۱۰۱/۲۸)
۳. «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي أَهْلَهُ فِي دُبُرِهَا فَكَّرَهُ ذَلِكَ. وَ قَالَ: إِذَا حُمَّ وَ تَحَاشَّ النِّسَاءَ وَ قَالَ إِسْتَأْ مَعْنَى نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ أَيَّ سَاعَةٍ شِئْتُمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۰۸/۲۰؛ مجلسی، ۱۴۱۵: ۱۰۱/۲۹)
- «الصَّادِقُ أَنَّى شِئْتُمْ أَيَّ مَتَى شِئْتُمْ وَ تَأَوَّلَتْ الْعَامَّةُ قَوْلَهُ أَنَّى شِئْتُمْ أَيَّ حَيْثُ شِئْتُمْ فِي الْقُبُلِ وَ الدُّبُرِ وَ قَالَ الصَّادِقُ أَنَّى شِئْتُمْ أَيَّ مَتَى شِئْتُمْ فِي الْفَرْجِ وَ الدَّلِيلُ عَلَى قَوْلِهِ فِي الْفَرْجِ قَوْلُهُ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَالْحَرْثُ الرُّزْعُ وَ الرُّزْعُ الْفَرْجُ فِي مَوْضِعِ الْوَلَدِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۰۸/۲۰؛ مجلسی، ۱۴۱۵: ۱۰۰/۲۸۸)
۳. «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدْنَىٰ فَاغْتَزَلُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَظْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»

واژه «حرث» در آیه نیز به جواز مقاربت از قُبُل دلالت دارد چراکه این موضع محل توالد محسوب می‌شود و در این خصوص باید به حد متیقن که همان جواز مقاربت از قُبُل است، اکتفا کرد؛ بنابراین «آئی» ظهور در زمان دارد و نسبت به مکان یا سایر امور ظهوری ندارد که بتوان از آیه استنباط اطلاق نمود. (خویی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۱) افزون بر این‌ها عبارت «فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ» در آیه ۲۲۲ سوره بقره مبین کیفیت تمتع است که بایستی مطابق فرمان الهی و از مجرای «مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ» که حرث محسوب می‌شود، باشد. لذا تمتعات مبتنی بر انحرافات و اختلالات جنسی هرگز مورد حکم خداوند نبوده و لازم الرعایه نمی‌باشند. (شیرازی، ۱۴۱۹، ص ۱۰۹۸؛ خویی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۱) هم‌چنین توجه به مفاد قاعده معاشرت به معروف و مفهوم اذی در آیه ۲۲۲ سوره بقره مانع از حکم به تجویز نزدیکی از دُبُر در ایام عادت ماهیانه می‌شود که زیان باری و اذیت آن چه‌بسا بیش از نزدیکی در قُبُل در ایام عادت ماهانه است.

مضافاً بر این‌که در برخی روایات «آئی شتم» به موقعیت^۱ قرارگیری زن و مرد حین رابطه تفسیر شده و از تعبیر معنای آن به هر نحو استمتاع و از جمله رابطه مقعدی منع شده است؛^۲ بنابراین حتی در صورت مطلق بودن آیه، این اطلاق با ادله مورد بحث تقیید و تخصیص می‌خورد. عموم مفسرین بر این باور هستند که واژه حرث مختص موضع توالد است و از آن آیه افاده عموم نمی‌شود و منظور آیه توسعه کیفیت نزدیکی از جهت زمان و موقعیت قرارگیری حین آمیزش است و نه موضع جسمانی زن (سیدمرتضی، ۱۴۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۶۶)

۳-۲. تمسک به روایات ناظر بر جواز وطی از دُبُر

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) در این خصوص به نحو اطلاق حکم به جواز این عمل شده^۳ و در

1. Position

۲. «عَنْ مُعْمَرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا: أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُونَ فِي إِيْتَانِ النِّسَاءِ فِي أَعْجَازِهِنَّ؟ قُلْتُ: إِنَّهُ بَلْغَيْتُهُ أَنْ أَهْلَ الْمَدِينَةِ لَا يَرَوْنَ بِهِ بَأْسًا. فَقَالَ: إِنَّ الْيَهُودَ كَانَتْ تَقُولُ إِذَا آتَى الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ فِي خَلْفِهَا خَرَجَ الْوَلَدُ فَانزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نِسْأَكُمْ حَرْتٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْتَكُمْ أَيُّ شَيْئِكُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ قُدَامٍ خِلَافًا لِقَوْلِ الْيَهُودِ وَ لَمْ يَعْين فِي أَذْبَارِهِنَّ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۱۵/۷؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۲۴۴/۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۱/۲۰؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۳۱/۱۴) «الصادق؛ نِسْأَكُمْ حَرْتٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْتَكُمْ أَيُّ شَيْئِكُمْ قَالَ: مِنْ قُدَامِهَا وَ مِنْ خَلْفِهَا فِي الْقُبُلِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۳/۲۰؛ مجلسی، ۱۴۱۵: ۱۰۱/۲۸) الباقر عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى نِسْأَكُمْ حَرْتٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْتَكُمْ أَيُّ شَيْئِكُمْ قَالَ: مِنْ قُبُلٍ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۳/۲۰؛ مجلسی، ۱۴۱۵: ۱۰۱/۲۹)

۳. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِيْتَانِ النِّسَاءِ فِي أَعْجَازِهِنَّ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۱۴۷؛ مجلسی، ۱۴۱۵: ۱۰۱/۲۸)

روایتی دیگر جواز این عمل منوط به رضایت زن شده است.^۱ هم‌چنین در روایتی دیگر امام صادق (علیه‌السلام) ضمن بیان جواز عمل، به عدم علاقه نسبت به انجام آن اشاره فرموده‌اند.^۲ از آنجا که قید «اذا رضیت» در دلالت حکم شرعی روایات ناظر به وطی از دُبُر مدخلیت اساسی دارد و گستره جواز دخول مقعدی را به رضایت زوجه محدود می‌کند و هم‌چنین به دلیل آنکه چنین تمتعی از گونه تمتعات نامتعارف است که ورود آسیب به زوجه در آن محتمل است، تعلیق جواز آن به رضایت زن مفروغ عنه و مرتکز ذهنی است و اطلاق ظاهری این روایات با شرط رضایت زوجه که مفروض راوی و معصوم می‌باشد، تقیید می‌خورد. (رضوان‌طلب و موسوی‌جوردی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۱)

از سوی دیگر در روایتی پیامبر گرامی دخول از دبر را حرام برشمرده^۳ و در روایت دیگری مرتکب این عمل را ملعون خوانده‌اند.^۴ در روایتی امام رضا (علیه‌السلام) نیز زن را محل بذرافشانی مرد (جهت تولید نسل) دانسته و دخول مقعدی را از اسباب آزار زن برشمرده‌اند.^۵

به این ترتیب برخی فقها با استناد به قید «اذا رضیت» در روایت ابن ابی یعفور به جمع روایات دارای تعارض در خصوص جواز یا عدم جواز وطی در دبر مبادرت نموده‌اند. به این صورت که روایات نهی کننده را حمل بر حرمت و رضایت زوجه را سبب جواز قلمداد کرده‌اند (خویی، ۴۱۸، ج ۳۲، صص ۱۰-۱۱؛ سبحانی تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۶) و عده‌ای دیگر روایات ناهیه را حمل بر کراهت و رضایت زوجه را سبب رفع کراهت (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۲۵۱) یا کاهنده شدت آن برشمرده‌اند. (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۹، ص ۱۴۰)

صاحب جواهر ضمن خدشه در سند و دلالت برخی از این احادیث، در جمع بین این دو دسته روایات عمل مزبور را حمل بر کراهت شدید کرده و روایات ناظر بر عدم جواز را حمل بر

۱. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَرْأَةَ فِي دُبُرِهَا. قَالَ: لَا بَأْسَ إِذَا رَضِيَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۶/۲۰)

۲. «عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ ابْتِئَانِ النِّسَاءِ فِي أَعْجَازِهِنَّ فَقَالَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ وَ مَا أَحِبُّ أَنْ تَفْعَلَهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۱۴۷؛ طوسی، ۱۳۹۰: ۳/۲۴۴، طوسی، ۱۴۰۷: ۷/۴۱۶)

۳. «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى أُمَّتِي حَرَامٌ» (طوسی، ۱۳۹۰: ۳/۲۴۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۳/۲۰)

۴. «لَعَنَ اللَّهُ الَّذِينَ يَأْتُونَ النِّسَاءَ فِي مَخَاشِئِهِنَّ» (طبرانی، ۱۴۱۵: ۲/۲۶۳) «مَلْعُونٌ مَنْ أَتَى امْرَأَتَهُ فِي دُبُرِهَا» (ابو داود سجستانی، ۱۴۲۰: ۲/۲۴۹)

۵. «الرِّضَا عَنِ الْفَتْحِ بْنِ يَزِيدَ الْجُرْجَانِيِّ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا... مِنْهُ الْجَوَابُ سَأَلْتُ عَمَّنْ أَتَى جَارِيَتَهُ فِي دُبُرِهَا وَ الْمَرْأَةَ لَعْنَةُ لَا تُؤَدَّى وَ هِيَ حَرْثٌ كَمَا قَالَ اللَّهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۱۴۶؛ مجلسی، ۱۴۱۵: ۱۰۱/۲۹) «إِنَّمَا الْمَرْأَةُ لَعْبَةٌ مِنْ أَخْطَرِهَا فَلَا يُضَيِّعُهَا» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰/۱۱۹)

مواردی می‌کند که زن رضایتی در این خصوص ندارد. (نجفی، ۱۴۰۱، ج ۲۹، صص ۱۰۸-۱۰۶)

منوط بودن جواز عمل به رضایت زوجه به وضوح دلالت بر عدم شمولیت وطی مقعدی در زمره حقوق جنسی زوج دارد. (خویی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۶) بنابراین با وجود ادعای شهرت مبنی بر تحقق نشوز در صورت ممانعت زوجه از این عمل (فیض‌کاشانی، بی‌تا، ج ۲، صص ۲۹۵-۲۹۶) دلایلی قوی، مؤید اثبات نشوز به چشم نمی‌خورد. (طباطبایی‌یزدی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۴۹۶)

در مجموع نظر مشهور در میان فقهای امامیه، جواز عمل و کراهت شدید آن به‌ویژه در صورت عدم رضایت زوجه است. البته قائلین به حرمت در میان فقهای شیعه نیز همچون ابن‌حمزه، صدوق و... دیده می‌شوند. (طوسی، ۱۴۰۸، ص ۳۱۳؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۶۸)

۳-۳. تمسک به اطلاق و عمومات ادله در خصوص تمکین

برخی با استناد به اطلاق و عمومات ادله حق تمتع زوج از زوجه، حکم به جواز وطی از دبر داده و برای اثبات جواز دخول مقعدی به عمومات لزوم متابعت زوجه از شوهر و اطلاق آیه ۲۲۳ سوره بقره متمسک شده‌اند. (هدایت‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۱۴۹) عده‌ای حتی حکم به جواز مواقعه از دبر در ایام حیض داده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۴۰؛ محقق‌حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۹۱) و خودداری از چنین مقاربتی را از سوی زوجه حائض موجب تحقق نشوز دانسته‌اند. (علامه‌حلی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰۸) در صورتی که یکی از مقدمات حکمت در حالت اطلاق، در مقام بیان بودن است. (زراعت، ۱۳۹۱، ص ۲۰۹) اگرچه اطلاق در میان نیست و در این مورد نیز اطلاق استمتاع جنسی به‌عنوان یکی از آثار عقد نکاح، انصراف به موارد متعارف داشته و انصراف مزبور نیز انصراف ظهوری مانع اطلاق محسوب می‌شود و نه انصراف بدوی غیرمانع؛ چراکه ابتدای قاعده عدالت بر مصالح و مفاسد واقعی، عمومات ادله در قضیه را منصرف به موارد متعارف می‌کند (موسوی خمینی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۱۳۵) بنابراین جواز وطی از دبر خارج از شمول اطلاق و عموم ادله قرار می‌گیرد.

۴. بازاندیشی پیرامون جواز وطی نامتعارف

از منظر اسلام، عقد نکاح راه انحصاری تأمین نیاز جنسی است. به این ترتیب تأمین صحیح این نیاز در زمره عبادات و هرگونه مواجهه افراطی و تفریطی با آن مطرود است.

۴-۱. آیات ۲۲۲، ۲۲۳ و ۲۲۸ سوره بقره

آن‌چنان‌که پیش از این اشاره شد، عموم مفسرین بر این باور هستند که واژه حرث در آیه ۲۲۳ ناظر

به موضع توالد است و افاده عموم نمی‌کند و آیه در پی بیان توسعه کیفیت نزدیکی از جهت زمان و موقعیت قرارگیری حین آمیزش است و نه موضع جسمانی زن (سیدمرتضی، ۱۴۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۶۶) بنابراین عبارت «آنی» در آیه ۲۲۳ سوره بقره زمانیه بوده و با توجه به شأن نزول آیه، ناظر به چگونگی قرارگیری زوجین هنگام رابطه و ظهور در وطی متعارف از موضع تناسل دارد و از وطی مقعدی انصراف موضوعی داشته و در پاسخ به سؤال مقدر و مصداق مدنظر مخاطب صادر شده است. مطابق روایات نیز حق تمتعات جنسی یکی از حقوق متقابل زوجین است. از همین رو حق جنسی زوجه در فقه اعتباربخشی شده و آیه ۲۲۸ سوره بقره^۱ نیز بر این مسئله دلالت دارد. لکن رابطه مقعدی فاقد شاخصه لذت طرفینی و ناقض حق زوجه در بهره‌مندی جنسی است.

۲-۴. قاعده معاشرت به معروف

قاعده معاشرت به معروف مهم‌ترین دلیل موازنه حقوق جنسی زوجین است و اقتضا دارد که لذت از رابطه زناشویی طرفینی بوده و زوجه نیز از این رابطه التذاذ و بهره خود را داشته باشد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۳؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۴۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۱۱۱؛ موسوی‌بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۳۶) چراکه تمکین و رابطه جنسی طرف قبولی هم دارد (میرزای قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶۰) که وضعیت وی نیز بایستی لحاظ شود.

۳-۴. روایات ناظر به حرمت ایذاء همسر و روابط جنسی کرامتمدار

حریم جسمانی افراد محترم است و زوج نمی‌تواند به بهانه تمکین از زوجه درخواست‌های غیرمنطقی، خشونت‌بار و آسیب‌زا داشته باشد. در فقه و احکام دینی مباحث مُشبعی پیرامون آداب خلوت میان زوجین وجود دارد که توجه شارع را به سلوک کرامتمدار در این رابطه می‌رساند. در روایات ملاعبه و معاشره با همسر جزئی از سنت قلمداد شده است^۲ و از مواقعه بدون ملاعبه به جفا تعبیر شده است^۳؛ بنابراین اگر زن حقی در بهره جنسی نداشت، عدم رعایت مواردی چون

۱. «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...»

۲. «قال رسول الله كلُّ هو في الدنيا باطل إلا ما كان من رميك عن قوسك وتأديك فرسك وملاعبتك أهلک فإنّه من السنّة» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۲۱/۱۴) «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ «فَإِذَا أَتَى أَحَدَكُمْ أَهْلَهُ فَلْيَكُنْ بَيْنَهُمَا مَدَاعِبَهُ فَإِنَّهُ أَطِيبٌ لِلأَمْرِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۳/۳۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۵۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۶/۲۰) «قال الإمام الرضا إذا أتى أحدكم أهله. فليكن قبل ذلك ملاطفة. فإنه ألين لقلبها وأسل لسخيمتها فإذا أفضى إلى حاجته» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۰۲/۱)

۳. «قال رسول الله «ثَلَاثَةٌ مِنَ الجَفَا... ومواقعه الرجل أهله قبل الملاعبه» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۹/۲۰)

پیش‌نوازی و ملاحظه جفای به وی محسوب نمی‌شد. هم‌چنین در روایت به عدم تعجیل و داشتن درنگ وطمأنینه در روابط جنسی و توجه به نیازهای زنان^۱ و همچون پرندگان رفتار نکردن در این رابطه^۲ اشاره شده است. در این بین روایاتی نیز وجود دارند که به آداب و دستورالعمل‌های فراهم‌آورنده زمینه بهره و لذت جنسی در زنان اشاره دارند.^۳

۴-۴. قاعده لاضرر

مطابق آیات و روایات ناظر بر معاشرت نیکو و حرمت ایذاء همسر^۴، بنا به اصل آزادی مسئولانه، زوجه در خصوص تمکین متضمن ضرر و فراتر از حد و وسع تکلیفی ندارد و به موجب حق بر بدن می‌تواند نسبت به رفتارهای نامتعارف و صدمه زننده ممانعت داشته باشد. با توجه به حریت زن و حق انتفاع زوج در استمتاع جنسی از زوجه، وی مالک بضع یا مالک منافع جنسی زن نیست؛ بنابراین در خصوص بضع نه تنها زوجه که زوج نیز حق تصرف فراتر از جوازات شرعی موجب ضرر را ندارد. (مظاهری، ۱۳۹۱) بر همین مبنا برخی فقها حکم به حرمت مواقعه نامتعارف کرده‌اند. (طوسی، ۱۴۰۸، ص ۳۱۳؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۶۸؛ صادقی‌تهرانی، ۱۳۸۶، ص ۹۰)

اگر ارضای جنسی خارج از مجرای تناسل و توالد باشد، انحراف جنسی بروز کرده است (کجیاف، ۱۳۷۸، ص ۳۲) و اگر موجب عسر و حرج یا ضرر شود، سوء معاشرت محسوب می‌شود. اعمال خشونت جنسی و عدم ارضای نیازهای جنسی زوجه در چارچوب نظام تک شوهری موجب ضرر و عسر و حرج عادتاً غیرقابل تحمل می‌باشد.

مطابق قاعده لاضرر که مبتنی بر امتنان پروردگار نسبت به بندگان است، احکام متضمن ضرر در اسلام منتفی هستند. این قاعده بر سایر قواعد و ادله برتری دارد و منجر به نفی لزوم از احکام

۱. عن ابی‌عبدالله «إذا أراد أحدكم أن يأتي زوجته فلا يجعلها فإن للنساء حوائج» (محدث‌نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۲۲۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۸/۲۰)

۲. قال رسول الله إذا جامع أحدكم أهله فلا يأتيهن كما يأتي الطير ليمكث و ليلبث (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۷/۲۰؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۷/۴۷۵) لا يقنع أحدكم على امرأته كما تقع البهيمة وليكن بينهما رسول. قيل: وما الرسول يا رسول الله؟ قال: القبلة و الكلام (العراقی، ۱۴۲۶: ۶۵)

۳. الرسالة الذهبية للرضا ولا تجماع امرأة حتى تلاعبها وتكثر ملاحظتها وتغمر ثديها، فإنك إذا فعلت ذلك (غلبت شهوتها و) اجتمع ماؤها، لان ماءها يخرج من ثديها، والشهوة تظهر من وجهها وعينها، واشتيت منك مثل الذي تشتتبه منها (محدث‌نوری، ۱۴۰۸: ۱۴/۲۲۱)

۴. قال رسول الله من كان له امرأة تؤذيها لم يقبل الله صلاحها ولا حسنة من عملها حتى تُعِينَهُ وَ تُرْضِيَهُ وَإِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ... ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرُ وَالْعَذَابُ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤِذِيًا ظَالِمًا (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۰۳/۲۰)

وضعی یا نفی احکام الزامی در احکام تکلیفی می‌شود. هم‌چنین مطابق قاعده لاجرح نیز آفریدگار هرگز مشقت و تنگنا بر بندگان روا نداشته، بلکه گشایش و آسانی آنان را می‌خواهد. این قاعده نیز بر سایر ادله برتری داشته و هنگام تعارض با سایر قواعد، مطابق قاعده لاجرح عمل خواهد شد. به این ترتیب اگر تمکین موجب مشقت و آزار غیر قابل تحمل اعم از بدنی و روحی - روانی شود و مصداق سوء معاشرت محسوب گردد، الزام به تمکین برداشته می‌شود. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۴۰؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۱۷)

۴-۵. دلالت مخصص لیبی

امامیه معتقد به ابتنای همه احکام بر ملاکات، مصالح و مفاسد نفس الامری است (نانینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۳۰۹) و در واقع مفسده و ضرر مترتب بر امری موجب جعل حکم حرمت آن می‌شود و همین‌طور احکام اولیه‌ای که موجب ضرر باشند، با عارض شدن عناوین ثانویه رفع می‌شوند. (موسوی‌بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۶۳) مخصص لیبی در قضیه آمیزش نامتعارف نیز، ارتکاز عقلا و دلالت عقلی بر قباحت این نحو آمیزش بوده و به دلیل مفاسد ناظر بر این مسئله و قبح عقلی و طی از دبر، به نظر می‌رسد از همان ابتدا مانع صورت‌بندی جواز آمیزش نامتعارف با زوجه می‌شود. هرچند مخصص لیبی اغلب به‌عنوان یکی از مباحث مطرح در کتب اصولی بوده و کمتر مورد استناد فقها در صدور فتاوی واقع شده اما توسیع دایره حجیت عقل در مقام استنباط در عصر حاضر، امکان فتح ابواب تازه‌ای را برای قرائت‌های نوین از احکام دینی فراهم می‌آورد. (شجریان، ۱۴۰۰، ص ۱۲) چراکه دانش فقه اگر بخواهد در جامعه متکثر و پیچیده امروزی، سکان‌دار حاکمیت بر روابط چند وجهی جامعه بشری از مهد تا لحد باشد (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۲۸۹) بیش‌ازپیش نیازمند قائل شدن به اعتبار و حجیت عقل است. پیچیدگی روابط در عصر حاضر موجب عدم کفایت متون شرعی و تشخیص‌های فردی در مقام افتا و هم‌چنین ایجاب‌کننده بهره‌گیری از نظرات متخصصان مربوط در عرصه‌های مختلف و اعتباربخشی افزون‌تر به عقل‌گرایی در فرایند صورت‌بندی موفق افتا است. (شجریان، ۱۴۰۰، ص ۲۹)

در شرایطی که از منظر برخی فقها در صورت عظیم‌العجه بودن زوج و عدم توانایی زوجه نسبت به مقاربت متعارف با وی، تکلیف تمکین از زن ساقط بوده و این مسئله مستقط حق نفقه وی نمی‌باشد (نجفی، ۱۴۰۱، ج ۳۱، ص ۳۱۲؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۳؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۴۴۵؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۷۰؛ مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶، صص ۱۱۶-۱۱۹) و زوج در صورت تخلف، ضامن خسارات وارده خواهد بود (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶، صص ۱۱۶-۱۱۹)

چگونه می‌توان زوجه را مکلف به پذیرش آمیزش نامتعارفی دانست که زیان‌باری آن مطابق پژوهش‌های علمی کاملاً اثبات شده است و موجب عوارضی همچون زخم و پارگی مقعد، اجابت مزاج دردناک، بواسیر، شقاق، عدم کنترل در دفع، ابتلا به انواع عفونت‌های جنسی، زگیل تناسلی، سرطان مقعد و... می‌شود (Habel & others, 2018; Agnew, 1986; Baggaley & others, 2010; Miles & others, 1993) چراکه مطابق قاعده لاضرر، اضرار به دیگری حرام است و حق تمتع نیز با این شرایط ساقط می‌شود. (حسینی، ۱۴۲۰، صص ۴۲۲-۴۲۵) بنابراین در شرایطی که حتی خوف ضرر موجب می‌شود که عدم تمکین جایز باشد (طباطبایی‌یزدی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۵۰۸) تکلیف به برقراری رابطه زناشویی نامتعارف که قطعاً از نظر جسمی مضر است و از لحاظ روانی نیز چه بسا منجر به ایجاد احساس انزجار و دلزدگی جنسی شود (دژکام، ۱۳۸۸، ص ۸۳) ساقط است. البته ادله عدم لزوم تمکین اختصاص به خصوص مواقع غیر متعارف ندارد و سایر استمتاع‌های نامتعارف را نیز شامل می‌شود و انساباق مصداق اتم دلیل بر انحصار نمی‌تواند باشد. (محمدی‌نسب و حبیبی‌تبار، ۱۴۰۰، ص ۱۵۷) به این ترتیب اطلاق روایات ناظر به تمکین و جواز آمیزش مقعدی با عموم قاعده معاشرت به معروف و حرمت ایذا مقید می‌شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۴۴۲؛ موسوی‌بجنوردی و حسینی، ۱۳۹۵، ص ۳۶) و به‌طور مسلم روابطی که منجر به ظلم و آزار طرف دیگر شود، مطمح نظر شارع نیست و به وسیله اصل عقلانی عدالت تقیید می‌خورد (محمدی‌نسب و حبیبی‌تبار، ۱۴۰۰، ص ۱۵۴) حتی اگر اطلاق ظاهری ادله تام و تمام باشد، یقیناً ناظر به موارد متعارف و منصرف از موارد دارای انزجار است. (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۵، صص ۱۸-۱۷؛ خوبی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۲)

آمیزش مقعدی بدون رضایت زن، قطعاً موجب رنجش و آزرده‌گی روانی و جسمی برای وی خواهد بود، کما این‌که در مواردی هم که رضایت وجود دارد، به دلیل آن‌که این رضایت و تن دادن غالباً از سر ناچاری و ترس از مواجهه با عواقب نامطلوب مخالفت با درخواست زوج می‌باشد، مخدوش بوده و اعتباری ندارد.

گذشتن زوجه در موقعیتی که نتواند با اراده آزاد در خصوص اقدام یا ترک عملی تصمیم‌گیری نماید، نقض اراده و اختیار فرد و بی‌حرمتی به استقلال وی خواهد بود. قرار دادن زوجه در شرایطی که ناگزیر از تن دادن به آمیزش مقعدی باشد، نقض کرامت انسانی و تمامیت جسمانی وی محسوب شده و حاکی از نگرش ابزاری به اوست؛ به‌نحوی که گویی التذاذ و رضایت وی در ارتباط جنسی موضوعیتی ندارد.

حکم به جواز آمیزش نامتعارف، در شرایط فرادستی غالب مردان در روابط جنسی می‌تواند به

عمومیت تضييع حقوق زنان و مداومت آن بينجامد و منجر به باور انسداد طُرق منتهی به مطالبه حق در زنان و بی‌عملی در مواجهه با نقض حقوق شود. (رحیمی سجاسی، ۱۳۹۹، صص ۱۲۳-۱۲۵) به این ترتیب زنان طی پدیده خودخاموشی^۱ و درماندگی آموخته شده^۲ که متضمن عدم قدرت بر مهار و کنترل شرایط موجود است (Seligman, 1975) با سرپوش نهادن بر رنج‌ها و زخم‌های زندگی زناشویی به سانسور احساس واقعی خود در این روابط مبادرت می‌ورزند (Gilligan, 2010, p 10; Jack, 2011, p 524; Jack, 2010, p 5) که از دلایل آن ترس از قضاوت‌های خصمانه و نادرست دیگران، گریز از تنش، احساس شرم و فقدان جسارت در خصوص مطالبه‌گری است و به این ترتیب زنان با انفعال و بی‌عملی نسبت به تضييع حقوق خویش مدارا می‌کنند. (رحیمی سجاسی و همکاران، ۱۳۹۹، صص ۱۱۸-۱۲۲)

۴-۶. مقاصد الشریعه

باید توجه داشت که وجود گزاره‌های مختلف فقهی در رابطه با مسائل جنسی نشان از نظام‌مندی آن و عدم اصالت لذت صرف و توجه به ابعاد گوناگون اخلاقی، معنوی و عاطفی این مقوله در دیدگاه شارع می‌باشد. از آنجایی مطابق آیات و روایات از مهم‌ترین اغراض پیوند زناشویی و روابط جنسی فی مابین، رسیدن به آرامش و تداوم نسل است و رابطه مقعدی فاقد شاخصه‌های مزبور است، هم‌چنین رضایت زوجه به این نحو رابطه، با توجه به تموّق و چیرگی زوج در روابط جنسی، غالباً خدشه‌پذیر می‌باشد، تجویز وطی از دبر ولو با رضایت زوجه می‌تواند در بردارنده تالی فاسد ناکامی و تضييع حق جنسی زوجه شود.

هرچند روش معمول در استنباط احکام شرعی، اتکا به متون شرعی و بی‌توجهی به غایات شریعت است (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷) لکن توجه به رویکرد مقاصدی می‌تواند مفسر را از اسارت نص لغوی رها ساخته تا با لحاظ مصالح و مقاصد، به افق‌های تازه‌ای فراروی خرد و اجتهاد دست یابد؛ چراکه احکام صادره مرتبط با یک موضوع بایستی با غایت و مقصود آن امر، هماهنگ باشد و مفسر بایستی متن را در سایه ارزش‌های بنیادینی که ابتدای احکام یا قواعد بر آن است، تفسیر کند. (فلاحی، ۱۴۰۱، ص ۵۹)

1. Self- silencing
2. Learned helplessness

نتیجه‌گیری

گاه از برخی تعبیر در متون فقهی، انگاره تمکین بدون قید و شرط و پذیرش نزدیکی و سایر اسباب التذاذ زوج بر مبنای میل و اراده وی فارغ از هرگونه محدودیتی اعم از مکان، زمان و... قابل تحصیل است. به نظر می‌رسد نگرش فقها نسبت به حق جنسی زن از چشم‌انداز مردانه بوده و زمام امر جنسی در ید مرد انگاشته شده، درحالی‌که در یک رابطه جنسی توجه به نیازهای دیگری و وظیفه‌ای متقابل است و این اندیشه که زن اسباب لذت و کامجویی مرد است، مقبول نمی‌باشد. زن نیز حق کامیابی و بهره‌وری در روابط جنسی دارد و مواردی که موجب ایذاء زن است، تحریم و تقبیح شده و فروضی نیز که احتمال ناراحتی زوجه وجود دارد، منوط به رضایت او شده است؛ بنابراین در نگاهی نظام‌مند و منظومه‌وار به حقوق اسلام، حق جنسی زن و اعتبار کامیابی وی در روابط جنسی از ادله، قابل استنتاج است و قاعده لاضرر، معاشرت به معروف و قبح عقلی تمتعات یک‌طرفه و زیان‌بار نافعی صور نامتعارف رابطه جنسی است.

به‌طور قطع جواز روابط جنسی نامتعارف که همراه با نقض کرامت، نقض معاشرت به معروف، ایذاء، تحقیر و ظلم در حق دیگری است، به نحو جدی مورد تردید می‌باشد. بهره‌وری یک‌سویه زوج و بی‌توجهی به تمایلات زوجه در خصوص کیفیت، شرایط زمانی، مکانی و روانی مطلوب و منطقی در یک رابطه، حاکی از نگرش شی‌ءواره به زن، سوء معاشرت، نقض کرامت و تضییع حقوق وی محسوب می‌شود، درحالی‌که حاکمیت نظام ارزشی و اخلاقی بر قواعد حقوقی در نظام خانواده غیرقابل انکار است. نفوذ موازین اخلاقی در قواعد حقوقی حاکم بر خانواده بسیار چشمگیر و گاه حتی این موازین بر آن قواعد مقدم است؛ چراکه خانواده بیش از آن‌که سازمانی حقوقی باشد، از جایگاهی معنوی و اخلاقی برخوردار است و پاسداشت کیان خانواده با کاربست موازین اخلاقی در اولویت می‌باشد. باید توجه داشت که یکی از غایات اصلی در تشکیل خانواده، رسیدن به آرامش و حفظ و بقای نسل است که در آمیزش نامتعارف منتفی است. ازاین‌رو توجه به غایات شریعت در تشریح احکام ناظر بر تمامی عرصه‌ها و ازجمله خانواده، در دستیابی به فهم درست‌تر از احکام راهگشا خواهد بود.

منابع

۱. آخوندخراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۸). کفایه الاصول، قم: انتشارات اسلامی.
۲. آریز، سیدمحسن؛ نیکو، محدثه (۱۳۹۹). نگاهی به گستره فقهی حقوقی تمکین و موارد موجه بودن عدم آن در حقوق ایران و فقه مذاهب خمسسه. فقه و حقوق نوین، شماره ۴، صص ۸۷-۱۰۴.
<https://doi.org/10.22034/jaml.2021.242834>
۳. آملی، محمدتقی (۱۴۱۳). المکاسب و البیع (تقریرات محمدحسین نائینی)، نجف: المطبعه الحیدریه.
۴. ابن‌ادریس، محمدبن منصور (۱۴۱۰). السرائرالحوای لثحریر الفتاوی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵. ابن‌بابویه (شیخ‌صدوق) ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۶. ابن‌برّاج (قاضی) عبدالعزیز (۱۴۰۶). المهذب، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰). سنن ابی داود، بیروت: دارالفکر.
۸. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۹ ق.). کتاب النکاح، قم: نورنگار.
۹. اسماعیلی فلاح، مرضیه؛ شاکری گلپایگانی، طوبی و غروی نائینی، نهله (۱۴۰۱). چالش‌های انگاره مطلق بودن تمکین زوجه: موردکاوی تمکین زنان شاغل. مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، دوره ۵، شماره ۲، صص ۲۳۸-۲۶۵.
۱۰. اشتهاوردی، علی‌پناه (۱۴۱۷). مدارک العروه، تهران: دارالاسوه.
۱۱. انصاری، مسعود (۱۳۷۸). روانشناسی جرایم و انحرافات جنسی، تهران: اشراقی.
۱۲. انوری، حسن (۱۳۹۰). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
۱۳. اوحدی، بهنام (۱۳۷۹). تمایلات و رفتارهای جنسی طبیعی و غیرطبیعی انسان، اصفهان: آتروپات.
۱۴. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). حدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. بحرانی، حسین بن محمد (بی‌تا). الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، قم: مجمع البحوث العلمیه.
۱۶. بهرامی، لیلا و توسلی، افسانه (۱۳۹۹). مطالعه کیفی تابوها در نارضایتی جنسی زنان متقاضی طلاق. پژوهش‌نامه‌زنان، شماره ۳۳، صص ۶۹-۹۰.

۱۷. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۷). حقوق عاشقانه علیه حقوق کامجویانه؛ گفتاری در فلسفه حقوق خانواده. مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۸، شماره ۱. صص ۱۱۱-۱۲۳.
۱۸. حبیبی تبار، جواد (۱۳۹۵). گام به گام با حقوق خانواده (چاپ ۲)، تهران: میزان.
۱۹. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت لإحياء التراث.
۲۰. حسینی، سیدحسین (۱۴۲۰). احکام‌المعتبرین وفقاً لفتاوی عشره من مراجع التقلید، تهران: مرکز الطباعة والنشر للمجمع العالمی لأهل‌ال‌بیت.
۲۱. حلّی (علامه) حسن بن یوسف (۱۴۱۵). تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، مشهد: مؤسسه آل‌ال‌بیت (علیهم‌السلام).
۲۲. حلّی (علامه) حسن بن یوسف (۱۳۸۷). ایضاح‌الفوائد، قم: اسماعیلیان.
۲۳. حلّی (علامه) حسن بن یوسف (۱۴۰۹). قواعد الاحکام فی مسائل الحلال والحرام، تهران: استقلال.
۲۴. حلّی (محقق) جعفر بن حسن (۱۴۰۹). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۵. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). حقوق زن و خانواده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۶. حیدری، مرضیه (۱۳۹۶). بررسی روابط چندگانه میان رضایت از زندگی، رضایت زناشویی و رضایت جنسی با بهبود کیفیت زندگی زناشویی زنان متأهل شهرستان آباد. زن و جامعه، شماره ۳۲، صص ۲۰۵-۲۳۸.
۲۷. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸). موسوعه الإمام الخوئی، قم: احياء آثار الامام الخوئی.
۲۸. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۰۷). کتاب النکاح، قم: مدرسه دار‌العلم.
۲۹. دژکام، محمدرضا (۱۳۸۸). روانشناسی اختلال‌های جنسی، تهران: پویا.
۳۰. راغب‌اصفهانى، حسین بن محمد (۱۴۲۹). مفردات الفاظ القرآن (چاپ ۴)، قم: طلیعه‌النور.
۳۱. رحیمی سجاسی، مریم؛ کلانتری، عبدالحسین و شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۹۹). نقض حقوق زن در نقش همسری: مواجهه واقع‌گرایانه زنان با مسأله تضییع حقوق خود. پژوهش‌نامه زنان، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۱۱۱-۱۳۹.
۳۲. رضوان‌طلب، محمدرضا؛ موسوی‌جوادی، طیبه‌سادات (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل روایات وارده پیرامون وطی غیرمتعارف. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۴، صص ۱۱۵-۱۴۲.
۳۳. رملی، محمد بن احمد (۱۴۰۴). نهایی‌المحتاج إلی شرح‌المنهاج، بیروت: دارالفکر.

۳۴. روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۲). فقه الصادق، قم: دارالکتاب.
۳۵. زراعت، عباس (۱۳۹۱). مبانی استنباط حقوق، تهران: میزان.
۳۶. سبحانی تبریزی، جعفر (بی تا). نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم: بینا.
۳۷. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ ق). مهذب الاحکام، قم: مؤسسه المنار.
۳۸. سیدمرتضی، علی بن الحسین (۱۴۱۵). الانتصار فی انفرادت الامامیه، قم: انتشارات اسلامی.
۳۹. شاکری گلپایگانی، طوبی و بابازاده، زهرا (۱۴۰۱). تفاسیر قضایی از سوء رفتار جنسی زوج در محاکم خانواده. حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۷، صص ۲۱-۴۲.
<https://doi.org/10.22106/ijl.2021.523805.3954>
۴۰. شاکری گلپایگانی، طوبی و بهرامی، لیلیا (۱۴۰۰). بازخوانی حقوق جنسی زوج از منظر اصول کلان اخلاقی و حقوقی. پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۲۵، صص ۸۵-۱۰۷.
<https://doi.org/10.22034/pzk.2022.6711>
۴۱. شبیری زنجان، سید موسی (۱۴۱۹). کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۴۲. شجریان، مهدی (۱۴۰۰). اجتهاد عقل گرا و مسائل فقهی زنان. مطالعات جنسیت و خانواده، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۱-۳۳.
۴۳. شعر بافچی زاده، مرضیه؛ صادقی فسائی، سهیلا؛ آذری، هاجر و میرخانی، عزت السادات (۱۳۹۹). تبیین حق جنسی زوجین در بستر متون فقهی و حقوقی. نشریه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، شماره ۵۰، صص ۶۷-۹۲.
۴۴. شکر، فریده و مؤمن، رقیه سادات (۱۳۹۰). نقش قاعده لاضرر در حق خودداری زن از تمکین خاص. مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۱، صص ۱۰۵-۱۳۰.
۴۵. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۶). نگرشی جدید بر حقوق بانوان در اسلام، تهران: امید فردا.
۴۶. ضیایی فر، سعید؛ فیروزی، مرتضی (۱۴۰۱). تبیین قبح اخلاقی روابط جنسی نامتعارف میان همسران. پژوهش نامه اخلاق، شماره ۵۵، صص ۹۹-۱۱۲.
۴۷. طباطبایی (علامه) محمد حسین (۱۳۶۶). المیزان. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۴۸. طباطبائی حائری (صاحب ریاض) سید علی (۱۴۱۸). ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل البيت.
۴۹. طباطبایی قمی، سید تقی (۱۴۲۶). مبانی منهاج الصالحین. قم: قلم الشرق.
۵۰. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۳). حاشیه کتاب المکاسب، بیروت: دارالمصطفی لإحياء التراث.

۵۱. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹). العروه الوثقی فیما تعم به البلوی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۲. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵). المعجم الاوسط، قاهره: دارالحرمین.
۵۳. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق (چاپ چهارم)، قم: شریف رضی.
۵۴. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین (تحقیق سید احمد حسینی)، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۵۵. طوسی، ابن حمزه (۱۴۰۸). الوسيله، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی.
۵۶. طوسی (شیخ الطائفه) محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه (چاپ سوم)، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۵۷. طوسی (شیخ الطائفه) محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۸. طوسی (شیخ الطائفه) محمد بن حسن (۱۳۹۰ ق). استبصار فیما اختلف من الاخبار (تصحیح حسن موسوی)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۹. عاملی جبعی (شهید ثانی) زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۶۰. عاملی جبعی (شهید ثانی) زین الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۶۱. عراقی، ابوالفضل زین الدین عبدالرحیم (۱۴۲۶). المغنی عن حمل الأسفار فی الأسفار، بیروت: دار ابن حزم.
۶۲. علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۰۵). رسائل (تحقیق سید مهدی رجایی)، قم: دارالقرآن.
۶۳. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی، تهران: المطبعه العلمیه.
۶۴. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۶۵. فروتن، سید کاظم؛ اخوان تقوی، محمد حسین (۱۳۹۰). بررسی نقش سلامت جنسی در خانواده ایرانی. قضاوت، شماره ۷۱.
۶۶. فلاحی، احمد (۱۴۰۱). ممنوعیت اجتهاد در برابر نص؛ قاعده یا خوانشی صورت گرایانه از تفسیر. مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، دوره ۵، شماره ۲، صص ۴۲-۶۷.

۶۷. فیض کاشانی، محمدحسن (بی تا). مفاتیح الشرائع. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی.
۶۸. قائمی، علی (۱۳۸۸). نظام حیات خانواده در اسلام (چاپ ۱۱)، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۶۹. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۰. قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۴۱۳). جامع الشتات فی اجوبه السؤالات، تهران: کیهان.
۷۱. قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). حقوق خانواده، تهران: برنا.
۷۳. کجباف، محمدباقر (۱۳۷۸). روانشناسی رفتار جنسی، تهران: روان.
۷۴. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی (چاپ چهارم)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۵. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران: دانشگاه تهران.
۷۶. مجلسی (علامه) محمدباقر (۱۴۱۵). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الانمه الاطهار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۷. مجلسی (علامه) محمدتقی (۱۴۰۶). روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه (چاپ دوم)، قم: کوشانپور.
۷۸. محمدی نسب، مهدی و حبیبی تبار، جواد (۱۴۰۰). اختلال انحراف جنسی زوج و تأثیر آن بر لزوم تمکین زوجه. جستارهای فقهی و اصولی، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۱۳۷-۱۶۴.
۷۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸۰. مظاهری، حسین (۱۳۹۱). تقریرات دروس خارج فقه، کتاب النکاح، به نقل از سایت مدرسه فقاقت.
۸۱. معصومی، سمیرا؛ رضائیان، حمید و حسینیان، سیمین (۱۳۹۶). پیش بینی رضایت جنسی براساس الگوهای ارتباطی زوجین. مطالعات زن و خانواده، شماره ۹، صص ۹۷-۱۰۱.
۸۲. مغنیه، محمدجواد (۱۴۱۴). فقه الامام جعفر الصادق (علیه السلام)، قم: انصاریان.
۸۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). کتاب النکاح، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۸۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). انوار الفقاهه، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۸۵. موسوی بجنوردی، حسن (۱۴۱۹). قواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی.

۸۶. موسوی بجنوردی، سید محمد و حسینی، سیده شهناز (۱۳۹۵). نشوز زوجه در فقه و حقوق با رویکردی بر آرای امام خمینی. متین، شماره ۷۰، صص ۲۷-۴۶.
۸۷. موسوی خمینی (امام) سید روح الله (۱۳۹۰). تحریر الوسیله، قم: دار الکتب العلمیه.
۸۸. موسوی خمینی (امام) سید روح الله (۱۳۷۹). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۸۹. موسوی عاملی، سید محمد بن علی (۱۴۱۱). نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام، قم: انتشارات اسلامی.
۹۰. مؤمنی، عابدین؛ رستمی، سهیلا؛ احمدی، ابوبکر و سجادی، شیلا (۱۳۹۹). آثار مترتب بر حکم یا حق بودن تمکین در فقه مذاهب اسلامی. مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، شماره ۵۳، صص ۲۱-۵.
۹۱. موحد، مجید و عزیزی، طاهره (۱۳۹۰). مطالعه رابطه رضایتمندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران. زن در توسعه و سیاست، شماره ۳۳، صص ۱۹۱-۲۱۷.
۹۲. نائینی، میرزا محمد حسین (۱۳۷۳). منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، تهران: مکتبه المحمديه.
۹۳. نائینی، میرزا محمد حسین (۱۳۷۶). فوائد الاصول، قم: انتشارات اسلامی.
۹۴. نجفی (صاحب جواهر) محمد حسن (۱۴۰۱). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (تصحیح سید ابراهیم میانجی)، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۹۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۹۲). رسائل و مسائل، تهران: نور محبت.
۹۶. نظری توگلی، سعید و کراچیان ثانی، فاطمه (۱۳۹۷). قلمرو حقوق همسر در روابط زناشویی از منظر فقه و حقوق خانواده. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۹، صص ۳۷۸-۳۵۹.
۹۷. نوری (محدث) میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۹۸. هدایت‌نیا، فرج الله (۱۳۹۶). نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹۹. هدایت‌نیا، فرج الله (۱۳۹۷). چالش‌های خانواده‌محوری در فقه و نظام قانون‌گذاری ایران. دین و قانون، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۶۶-۸۴.

2. Baggaley, RF; White, RG; Boily, Mc (2010) , “HIV transmission risk through anal intercourse: systematic review, meta-analysis and implications for HIV prevention”, *International journal of epidemiology*, 39 (4) , 1048-1063.
3. Gilligan, C (2010) , Preface IN: Jack, Dana C, Alisha A. (2010) *Silencing the Self across Cultures: Depression and Gender in the Social World*, New York: Oxford University Press.
4. Habel, MA; Leichter, JS; Dittus, PJ; Spicknall, IH; Aral, SO (2018) , “Heterosexual anal and oral sex in adolescents and adults in the United States, 2011-2015”, *sexually transmitted diseases*, 45 (12) , 775.
5. Jack, D.C, Alisha, A (2010) , *Silencing the Self across Cultures: Depression and Gender in the Social World*, New York: Oxford University Press.
6. Jack, D.C.(2011) “Reflections on the Silencing the Self Scale and Its Origins”, *Psychology of Women Quarterly*, 35(3) 523-529.
7. Miles, AJ; Allen-Mersh, TG; Wastell, C (1993) , “Effect of anoreceptive intercourse on anorectal function”, *Journal of the Royal Society of Medicine*, 86 (3) , 144-147.
8. Seligman, M. P (1975) , *Helplessness: On depression, development, and death*, Sanfransisco: Freeman.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی